

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور محمد اکبر یوسفی

۲۱ اپریل ۲۰۱۲

کنفرانس «پیترسبورگ» - بن و افغانستان!

(قسمت دوم)

الی قبل از تدویر کنفرانس «پیترسبورگ» - بن در باره افغانستان به خاطر توافق روی تشکیل اداره موقت و ختم جنگ و برگشت به زندگی صلح آمیز، برهان الدین ربانی، خود را رئیس جمهور برحال افغانستان می دانست، روان فرهادی در سازمان ملل متحد، به کمک حامیان آن در شورای امنیت سازمان ملل متحد، که از حق «ویتو» برخوردار بوده اند، حفظ این چوکی را برای حکومت «اتحاد شمال» ممکن ساخته بود. در آغاز «طالبان» در نیویارک فقط دفتری را باز نموده توانستند، تا با این مجمع بین المللی تماس برقرار نموده بتوانند.

طوری که در بخش اول نیز تذکر به عمل آمد، حادثه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، فضای همبستگی دول را با قدرت بزرگ جهان، اضلاع متحده امریکا، در «جنگ علیه تروریسم» مساعد ساخت. با وجود آن که شخصیت ها و سازمانهای سیاسی «جنگ علیه تروریسم» را، با شیوه ای که به راه فتاده بود، با برخورد انتقادی مقابل می شدند. جریان عملیات نظامی و همکاری گروپ های شامل «اتحاد شمال» در جنگ داخلی افغانستان، در صدر همه «شورای نظار»، یک بخشی از قوت های جنگی «جمعیت اسلامی» تحت رهبری برهان الدین ربانی و واحد های «تحت فرماندهی عبدالرشید دوستم»، اساساً با نیروهای امریکائی، وارد عمل مشترک گردیدند، از این طریق در تحکیم و توسعه مواضع آنها، به حد اعظمی استفاده نمودند. البته در نقاط دیگر کشور همچنان، چنین فعالیت های مشابه همکاری با قوای خارجی تازه وارد وجود داشته است.

پاکستان زمان جنرال مشرف، تا آخرین لحظات، به مثابه آخرین دولت از جمله فقط سه دولتی که در طول زمان حکومت طالبان، مناسبات دیپلماتیک، با «امارت» آنها داشته اند، روابط دیپلماتیک دو جانبه را حفظ داشت، بالاخره، این کشور هم در گروپ کشور های متعهد مقابله با «تروریسم»، آمادگی خود را ابراز داشته، به قوای امریکائی همکاری های همه جانبه اعلان، در پروگرام جاری متصل گردید. پایگاه های نظامی پاکستان، به شمول

قرارگاه طیارات «بدون پیلوت» و راه های «ترانزیت» اموال و وسایل «اکمالاتی» و سایر «انفراسترکچر» پاکستان در اختیار امریکا و متحدین، قرار داده شد.

با استفاده از عملیات قوای خارجی، واحد های مسلح شورای نظار، قبل از دیگران داخل کابل شدند، متعاقباً برهان الدین ربانی دفتر خود را از فیض آباد به کابل انتقال داده، خود نیز، به اساس ادعای مقامات امریکائی، «خلاف پلان»، متحدین، در رأس اضلاع متحده امریکا، وارد کابل گردید. احتمال بزرگ می رود که از «پروگرام اصلی» پس پرده واقف بوده، بدین سبب عجله نموده باشد، تا جای و موقف تسلیمدهنده قدرت را اشغال نماید. قبل از آن هم طوری که در فوق نیز ذکر شد، همواره مدعی می بود که گویا حکومت او مشروع است. در حالی که همین گزارشگر، خروج جبری او را در سال ۱۹۹۶، توسط قوت های «طالبان» از کابل نیز یاد آوری نموده، منابع دیگر مطبوعاتی از عقب نشینی قوت های جنگی، «شورای نظار» به دره های پنجشیر خبر داده، در مراحل اول، از یگانه قوت مقاومت در برابر «طالبان»، از قوت های «عبدالرشید دوستم» که به نام «ازبک» یاد می نموده اند، حرف در میان بوده است. موضوع قانونیت و مشروعیت حکومت و دول نیم بند، در افغانستان، از همان آغاز بحران بیش از سی سال، یعنی از زمان سقوط رژیم جمهوری سردار محمد داوود خان، به مرکز توجه قرار داشته، هر یک به زعم خود تعریفی را به نفع حاکمیت خود، فورمولبندی می داشته است.

برای رفع هر نوع «سوء تفاهم»، کنفرانس «بن» در «نومبر» ۲۰۰۱، تحت کنترل سازمان ملل متحد، برای گرد آوردن افغانهای «رقیب»، به خاطر ایجاد اداره واحد «مرکزی» بوده است. سازمان ملل متحد، در طی مدت بیش از سه دهه، در مراحل مختلف، چه در شرایط تسلط فضای جنگ سرد، در عرصه بین المللی و چه بعد از آن، به اشکال مختلف و توظیف مأموریت های گوناگون، تلاش می ورزیده است، تا به جنگ خاتمه داده شود. اضلاع متحده امریکا، نه تنها به حیث یک قدرت بزرگ نظامی و اقتصادی و موقف آن در مناسبات بین المللی و من جمله در سازمان ملل متحد، با متحدین آن، در تصامیم و اجراءات سازمان ملل متحد، از وزنه بزرگ برخوردار بوده است، بلکه حمایت پولی و تخنیک این کشور، موقف نیرومند به آن در پیشبرد فعالیت های این سازمان و سایر مجامع بین المللی بخشیده است.

موضوع دخول یا حمله قوای خارجی، در رأس قوای اضلاع متحده امریکا و متحدان انگلیسی، فرانسوی و غیره کشور های عضو پیمان اتلانتیک شمالی، یعنی «ناتو»، که به نام قوای «انتلاف علیه تروریسم» بین المللی، به عنوان همبستگی با اضلاع متحده امریکا مفهوم بوده است، شامل «آجندای» موضوعات بحث در کنفرانس نبوده است. اما ممکن است که فضای مسلط بر کشور و منطقه در آنزمان، خارج از مباحثات داخل «سالون» کنفرانس، در تصمیم، «هیأت»، عاری از اثرات سمت دهنده نبوده باشد.

چنانچه در قسمت اول همین عنوان، تذکر داده شده است، که موضوع ورود قوای خارجی، که اقدام آن از جانب اضلاع متحده امریکا صورت گرفته است، برتانیه در مقام بالائی لیست با آن همراه بوده است، بحثی است جداگانه. در آغاز و پیشبرد عملیات ها، «اتحاد شمال» در بین رقبای مسلح درگیر در افغانستان و شخص برهان الدین ربانی، به قول رسانه های گروهی غربی، توسط فرستنده های خاص «استخبارات» نظامی همان متحدین، مطلع گردیده بودند. آنچه توجه را به خود جلب نموده می تواند، آنست که بر حسب توافقات و تعهدات ممکن قبلی، «اتحاد شمال» به حیث «بدیل» طالبان در نظر گرفته می شود و بر مبنای آن توافقات باید ممکن شده باشد، تا در جریان عملیات قوای خاص امریکائی در افغانستان، «اتحاد شمال» از آن «بهرمند» گردد.

یک گزارشگر دیگر «بی. بی. سی.»، به نام «بریگیت کیندال» در همین تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۰۱، از «مانور» قبل از جلسه افغانها سخن گفته است. سفر آقای «سترا» (Mr Straw) را به پاکستان که عکس او را در ملاقات با جنرال مشرف نشان می‌دهد، جزئی از بخش شدید دیپلوماسی «رفت و برگشت» (shuttle diplomacy)، یاد کرده است. در این سفرها علاوه از دیدار با مقامات پاکستانی از صحبت با وزیر خارجه ایران نیز تذکر داده است. در عین زمان با عبدالله عبدالله، «سخنگوی امور خارجی اتحاد شمال» و همچنان «فرانسیسک ویندریل» دیپلمات سازمان ملل متحد، گفت و گو داشته است.

در همین گزارش یاد آوری می‌گردد که «جهان در تلاش‌های تحمیل راه حل بر افغانستان ناکام ماند. حال به حقیقت پی برد، که فقط افغانها خود در این راه پیشرفت خواهند داشت، در صورتی که در جلسه خواهان موفقیت باشند.»

«ویندریل» از جمله کسانی بوده است، که از داشتن انتظارات بلند هوشداری می‌داده است. همین اظهارات او در موضعگیری‌های رسمی مقامات رهبری سازمان ملل متحد، به شمول «الاحضر ابراهیمی» مکرراً تذکر می‌یافته است. در همین اطلاعیه تأکید می‌گردد، که برای سازمان ملل متحد، فقط نشست نمایندگان گروپ‌های اساسی، زیر یک سقف، به مثابه موفقیت و یک دستاورد شناخته شده می‌تواند. «ویندریل» مانع اساسی را خصوصاً ۲۲ ساله دانسته، فقط رفع آن هدف است. در راپور آمده است: «فقط تنها اقوام پشتون نیستند که از ناحیه کنترل فعلی کابل توسط ای‌تی‌نیک تاجیک، نگران اند، شیعه‌های هزاره که خود بخشی از اتحاد شمال پنداشته می‌شوند، نیز در جمله شامل می‌باشند.»

سه شنبه ۲۷ نومبر ۲۰۰۱، وقتی کنفرانس «بین» افتتاح گردید، «افغانها، با خستگی از مداخلات خارجی»، تأکید ورزیده اند، که راه خود را خود ببیمایند، تا به یک افغانستان واحد دست یابند. تداوم جنگ سه دهه را نتیجه توطئه‌های خارجی دانسته اند. مطبوعات در روز اول کنفرانس خبر داد که «مذاکرات افغان با امید افتتاح گردید» از زبان «هیأت» گزارش می‌یابد، که این رویداد، یعنی «مذاکرات را نقطه عطف تاریخی» ارزیابی نموده اند.



در همان روز اول کنفرانس، «بی. بی. سی.»، با نشر عکسی از سالون کنفرانس، که از مراسم افتتاح آن خبر می‌دهد، عنوان مطلب را چنین تعیین نموده است: «جنگ علیه تروریسم: بعد کیست؟» به ادامه می‌نویسد که سازمان ملل متحد روی آینده افغانستان به مباحثه آغاز نموده است. در عین زمان با خط درشت می‌نویسد: «وقتی رهبران افغان در «بین» دور هم جمع شده اند، تا در باره آینده کشور

شان بحث نمایند، توجه به سوی سؤالی مبذول گردیده است که آیا جنگ امریکا علیه تروریسم با ختم عملیات نظامی در افغانستان خاتمه خواهد یافت؟»

بیهوده نخواهد بود، هر گاه به یاد آوریم که «جنگ» خلیج در آغاز دهه نود قرن بیست، در زمان ریاست جمهوری، جورج بوش، جمهوری خواه امریکائی، پدر «جورج دبلیو بوش» به راه افتاد. این جنگ زمانی به وقوع پیوست، که

چندی قبل «رژیم صدام حسین» عراقی، بر کویت، سینه انداخته بود. این جنگ مدتی بعد از خروج قوای شوروی از افغانستان، که در حقیقت امر در آستانه ختم «جنگ سرد» و مصادف با زمان تقریبی، «فرو ریختن» دیوار برلین بوده است، صورت گرفت. در این جنگ علاوه از این که «سلاح های جدید» غربی، به میدان تطبیق بیرون کشیده شد، در آستانه شکل گرفتن شرایط کاملاً جدید در عرصه بین المللی، اضلاع متحده امریکا و متحدین آن، قبل از آن که، ماشین جنگی را به حرکت در آورند، واشنگتن و متحدان آن، به طور بی سابقه، از طریق «دیپلوماسی» ذهنیت بین المللی را آماده استقبال از جنگ علیه عراق ساختند، که برای «آزادی کویت» در صدر «شعار ها» و «اهداف» قرار داشت. در صف قوای خارجی دیگر، من جمله واحد های جنگی مصر حسنی مبارک و حافظ اسد سوریه نیز سهم گرفتند. در همان سالهاست که حضور وسیع قوای نظامی «امریکائی» در قلمرو سعودی جابه جا گردید. موجودیت این قواء، به افراطیون معلوم الحال بهانه تشکل و اقدام به فعالیت های تخریبی «ضد امریکائی» و «ضد غربی»، در دست داد.

«جنگ علیه تروریسم» در افغانستان و یا جنگ بعدی علیه رژیم صدام حسین، در تحت شرایط دیگری به راه افتاده است، که «تخنیک اطلاعاتی»، قدم گذاشتن «گلوبالیزم» با کیفیت و ماهیت کاملاً جدید در مناسبات بین المللی، پدیده هائی را حیات بخشیده است، که شناخت و مطالعه جدی آن یک امر حیاتی است. اشتباه بزرگ و خسارت آور و تا حدی هم خود فریبی و خود کشی خواهد بود، هر گاه مناسبات کنونی جهان را با مفاهیم و «ترمینولوژی های»، زمان استعمار کهن و تیوری های یک و دو قرن گذشته، ارزیابی نمود. بحث عمیق در این بخش نمی گنجد. در دهه نود قرن بیست، حین سقوط «سوسیالیزم» در شوروی وقت و انحلال پیمان نظامی «وارسا»، که در نتیجه، «وحدت قاره اروپا» را نیز با خود آورد، مقوله معروفی در باره تجدید نظر و توجه به شرایط عینی و واقعیت های زندگی، ورد زبان سیاستمداران و دانشمندان گردید: «کسیکه دیر آید، تاریخ او را جزا می دهد!»

حال بر می گردیم به گزارشات از جریان کنفرانس «بن». به ادامه مطالب فوق، «رپورتر» به صراحت بیان می دارد که «در طول تاریخ نا میمون و نامراد افغانستان، به ندرت به این پیمانۀ وسیع خارجیان، به بغرنجی ترکیب «ایتنیک» و قومی و روابط سیاسی آن، توجه مبذول داشته اند.» به ادامه علاوه می دارد، که «در اوقات مختلف، روسیه، اضلاع متحده، پاکستان و دیگر قوت های خارجی، جست و جو داشته اند، تا از طریق نفوذ و مداخله در جنگ داخلی، مطمئن باشند که یک حکومت دوست به خود را در کابل نصب کنند.»

از نظر همین گزارشگر در اولین روز جریان کنفرانس که می گوید:

«لیکن حال برای نخستین بار، تلاشهایی در جرمنی به راه افتاده است، تا با ایجاد یک سیستم بیشتر دیموکراتیک و با ثبات توافق به عمل آید. همین صبح» (۲۷ «نومبر» ۲۰۰۱)، «افغانها، حکومت خارجی و سازمان ملل متحد، اظهار آرزومندی برای حل صلح آمیز در آینده افغانستان نموده اند.»

بی ربط نخواهد بود، هرگاه شمه ای از مشی سیاسی آنوقت «یگانه قدرت بزرگ جهانی» را به عنوان مشت نمونه خروار در نظر بگیریم که در جریان، «جنگ علیه تروریسم» در افغانستان، خارج از آن چه سمت ها و ابعادی را در پیش داشته و بر کنفرانس افغانها در «بن»، چه اثری داشته می توانسته است. «اندریو بومفورد» (Andrew Bomford)، گزارش داد: «فقط در آغاز عمل علیه افغانستان، که هم اکنون تمام عیار جریان دارد، رئیس جمهور بوش به بیانات ضد - عراق آغاز نموده است. در یک مصاحبه با «نیوز ویک»، برای نخستین بار از صدام حسین، به عنوان «شیطان» و «شریر» یاد می کند. در این فرصت به صراحت یاد آور می شود که افغانستان «فقط آغازی بود» در «جنگ علیه تروریسم».

در یک کنفرانس مطبوعاتی، دیروز، آقای بوش پافشاری نمود که رهبر عراق باید به بازگشت مفتشین سازمان ملل متحد به آنکشور اجازه دهد: «صدام حسین باید نشان دهد که سلاح کشتار جمعی را انکشاف نمی دهد.» به همین ترتیب «هرگاه رد نماید؟»، جواب کامل را خواهد دید. از این اظهارات آنزمان، طوریکه ژورنالیست نتیجه گرفته است، چنین بر می آمد، که موصوف در جست و جوی عمل نظامی در آینده علیه عراق نیز بوده است.

«یوشکا فیشر» (Joschka Fischer) وزیر خارجه آلمان، به حیث وزیر کشور میزبان کنفرانس افغانها، در بیانیه خود گفته است: «یک افغانستان صلح آمیز و با ثبات، به مثابه قلب و مرکز ثقل صلح و ثبات منطقه محسوب می گردد.» وزیر خارجه آلمان، که کشورش از سیاست اضلاع متحده و «ائتلاف» در رابطه با اقدامات عملیاتی نظامی در افغانستان حمایت می نمود، در ارتباط با اظهارات «آقای بوش»، رئیس جمهور اضلاع متحده، در مورد عراق چنین بیان داشت: «به عقیده من رئیس جمهور موضوع را درست مطرح نموده و حجاب را از روی آن برداشته است، اما خیلی باریک». همین اظهار، در حقیقت اشاره ای بود به رهبری واشنگتن، وقتی بیش از یک سال بعد، موضوع حمله نظامی بر عراق مطرح گردید، حکومت آلمان، تحت رهبری حزب سوسیال دموکرات و صدر اعظم آن، «گیرهارد شرویدر» (Gerhard Schröder) از اشتراک در عملیات نظامی علیه عراق ابا و ورزید. بناء آنچه رهبری «واشنگتن» ممکن همه اقدامات را که می خواست در چهارچوب «جنگ» با «تروریسم» به پیش برد، همه کشور های دوست و متحد واشنگتن، با واشنگتن نظر کاملاً موافق نداشته اند.

اظهارات خوشبینانه نمایندگان «رقیب افغان»، با پیام «کوفی عنان» (Kofi Annan)، سر منشی سازمان ملل متحد که توسط نماینده خاص سازمان ملل متحد برای افغانستان، «الاخضر ابراهیمی»، همصدا گردیده، سرمنشی سازمان ملل متحد، جلسه تحت حمایت سازمان ملل متحد، در «کونیگزوینتر»، خارج از حومه شهر بن را، به مثابه «آغاز عصر جدید» برای مردم افغانستان دانسته است. در همین پیام از گروه های افغان با تأکید تقاضا می نماید، که اشتباهات گذشته را تکرار ننموده، با انتخاب راه توافقی بر منازعات، راه بدبینی را غلط ثابت سازند. اما در عین زمان، گزارشگر، یاد آوری می نماید که سوالات جدی مطرح می گردد، که در ترکیب هیأت نمایندگی، که از صف بزرگترین گروه «اینتیک»، پشتون ها که «طالبان» قسمت زیاد طرفداران خود را داشته اند، از «طالبان دعوت به عمل نیامده است».

در متن منتشر شده همچنان می خوانیم که وزیر خارجه آلمان، «یوشکا فیشر» در خطاب به «هیأت نمایندگی چهار گروه»، گفته است که «بار سنگینی بر دوش آنهاست، تا صلح را به افغانستان پس از سالیان جنگ بیاورند» در عین زمان، متعهد شده است، که به کمک بین المللی آنکشور ادامه خواهد داد. در جایی از وزیر خارجه آلمان چنین نقل قولی را بیان می دارد: «ما می خواهیم تا مردم افغانستان بدانند، که ما آنها را، زمانی که منازعه با القاعده و طالبان هم به پایان برسد، آنها را تنها نخواهیم گذاشت.»

«باقر معین» خیر نگار «بی. بی. سی.» یکی از کمترین ژورنالیستان که در مذاکرات اجازه داشته است، می گوید، «برای کنفرانس یک افتتاحیه بزرگ ترتیب یافته بود و رنگین بودن آن با امیدها توأم بوده است.»

سازمان ملل متحد، از همان آغاز امیدوار بوده است، تا شکل و قالب حکومت موقت، در این مذاکرات پخته بدر خواهد آمد. از زبان باقر معین، گفته شده است که «هیأت نمایندگی»، نسبت به نتایج حاصله، که یک مرحله «انتقالی یا عبوری» را ممکن خواهد ساخت، خوشبین اند. از زبان یونس قانونی، وزیر داخله، نماینده «اتحاد شمال»، حکایت نموده است که او نیز گفته است «توافق بر قالب حکومت، بر مبنای وسیع صورت خواهد گرفت.»

به آدرس سید حامد گیلانی، که از وی به عنوان نماینده و رهبر یک گروه «مهاجر» پشتون در پاکستان یاد شده، ثبت گردیده است، که موصوف، «مداخلات خارجی و فقدان هم آهنگی کوشش های بین المللی را مقصر شکست رسیدن به صلح دانسته است». از زبان هیأت اعضای دیگر گروه های افغان گفته شده است که، آماده کار دشوار برای دستیابی به صلح می باشند.

در گزارش روز اول کنفرانس، ضمن آن که اظهارات بعضی از آنها را منتشر ساخته است، بار دیگر لیست چهار گروه اشتراک کننده در همان روز تکرار می نمایند، که با گزارش قبلی، «رپورتر دیپلوماتیک بی. بی. سی» مطابقت دارد:

- «اتحاد شمال»، بزرگترین گروهی که کابل پایتخت افغانستان را تحت کنترل خود در آورده است. پیروزی های نظامی آنها، به پیمانۀ وسیع «پروسه» سیاسی را در هفته های سپری شده، تحت شعاع قرار داده است. قوت موافقت آن که تقسیم قدرت خواهد گرفت، تا اکنون آزمایش نشده است.
- هیأت پادشاه سابق محمد ظاهر شاه: پادشاه سابق از اینتیک پشتون است. از «دید بعضی ها یک عامل بالقوه و سرکرده توحید کننده، در یک ملت متشکل از گروه های اینتیک و لسانی مختلف، شناخته می شود!»
- گروه قبرس، متشکل از افغان های مهاجر، سیاستمداران و جنگی های مجاهد سابق، عقیده بر آنست که از روابط نزدیک با ایران برخوردار اند.
- گروه پشاور، تحت ریاست پیر گیلانی، که از حمایت پشتون ها برخوردار بوده، در عین حال جانبدار پادشاه سابق اند. «

پایان قسمت دوم

ادامه دارد

۲۰۱۲/۰۴/۱۵